

لزوم برنامه ریزی در اقتصادهای

معاصر

ترجمه و تنظیم: م. ر. فراچی

مبتنی بر روشهای سنتی نمیتوان تغییرات تقاضای جامعه را پیش بینی نمود، اقتصاد جامعه با اسراف و یا کمبود مواجه خواهد شد، در نتیجه در اقتصادهای رشد نیافته استفاده از منابع اقتصادی بحالت جمود، رکود و عدم تحرک در خواهد آمد. بدین لحاظ در اقتصادهای معاصر بمرور از شیوه های سنتی در زمینه تخصیص منابع فاصله گرفته میشود.

۲- تصمیمات در زمینه بکارگیری منابع با توجه به

نیروهای بازار:

در اواخر قرن هجده در اروپای غربی ابتدا انقلاب کشاورزی بوقوع پیوست، بطوریکه مؤسسات زراعی از حالت خود کفائی خارج شده، تولیدات کشاورزی را بسوی بازارها گسیل دادند. تدریجاً اقتصاد اروپا تبدیل به اقتصاد پولی و مبادلات تجاری گشته، درآمد و پس انداز قشر کشاورز افزایش یافت، بنابراین شرایط اولیه دسترسی به انقلاب صنعتی آماده شده و بتدریج تخصیص درآمد ملی سبب ایجاد یک سیستم اقتصادی به نام اقتصاد بازار گردید.

از خصوصیات این سیستم اقتصادی تکیه بر فعالیتهای فردی و مالکیت خصوصی میباشد، ضمناً توزیع منابع اقتصادی توسط مکانیزم قیمت انجام میگردد. بدین علت مکانیزم قیمت در اقتصاد بازار آزاد، بخصوص در زمینه منابع اقتصادی یکی از اصول مهم این سیستم محسوب می شود. مکانیزم قیمت را بصورت زیر میتوان تشریح نمود:

چون اقتصاد بازار آزاد متکی به اصول فعالیتهای آزاد اقتصادی و مالکیت خصوصی میباشد، کارفرما و یا سرمایه دار قبل از هر چیز به کسب سود و افزایش آن فکر میکند، به عبارت دیگر انگیزه سود جوئی عامل اصلی و هدف نهائی سرمایه دار

در بحث زیر به اهمیت و لزوم برنامه ریزی در زمینه مسائل اقتصادی خواهیم پرداخت. منظور از برنامه ریزی اقتصادی تخصیص منابع اقتصادی در جهت اهداف و سیاستهای جامعه میباشد. در گذشته که امکانات طرح و اجرای برنامه ریزی وجود نداشت، فعالیتهای اقتصادی با توسل به شیوه های سنتی و عرف و عادات محلی و منطقه ای انجام میگرفت، برای روشن شدن مسئله به اختصار به ذکر مثالی میپردازیم:

۱- تخصیص منابع از طریق سنتی

امروزه بکارگیری و تخصیص منابع بطریق عرف و سنت، در اکثر جوامع کم رشد رواج دارد، حتی این شیوه در بعضی از بخشهای اقتصادی کشورهای پیشرفته نیز (مثلاً بخش کشاورزی) بکلی از بین نرفته است بدین جهت کشاورزان عموماً منابع اقتصادی خود را در تولید محصولات خاصی بکار میبرند و زمانیکه از آنها سؤال میشود که چرا اقدام به تولید مثلاً توتون و یا ذرت مینمایند، پاسخ های دریافت شده یکسان میباشد، مثلاً میگویند: «بدلیل اینکه در این اراضی توتون و یا ذرت بهتر بعمل میآید» و یا «به این علت که پدرمان نیز توتون و یا ذرت تولید می کرد».

تخصیص و توزیع منابع در هر فعالیت اقتصادی با توسل به روشهای سنتی، ما را از اصل «تخصیص منابع اقتصادی بمنظور دسترسی به حداکثر بهره وری» دور میدارد. حتی اگر تخصیص منابع از طریق روشهای سنتی، در ابتدا با اصل منطق منطبق باشد، بمرور از آن فاصله خواهد گرفت، زیرا عواملی از قبیل تغییرات جمعیت، تحولات تکنولوژیکی، تغییر سلیقه مصرف کنندگان نسبت به انتخاب کالا، در تقاضای جامعه تأثیر خواهد گذاشت، از سوی دیگر چون در فعالیتهای اقتصادی

میباشد. مشاهده میشود که تخصیص منابع اقتصادی در اقتصاد بازار آزاد تحت کنترل میباشد و کالا نه بر اساس سلیقه و درخواست کارفرما و سرمایه دار، بلکه بنا به تقاضای مصرف کنندگان جامعه تولید میگردد. بدین سبب میتوان گرفت که تقاضا در اقتصاد بازار آزاد عامل تعیین کننده و تخصیص دهنده منابع اقتصادی بحساب میآید و کارفرما مجبور است با توجه به عامل تقاضا اقدام به فعالیتهای تولیدی نماید، زیرا هدف نهایی کسب سود میباشد. البته افزایش سود بستگی به افزایش فروش کالا نیز خواهد داشت. بنابر این توزیع منابع در اقتصاد بازار آزاد بمنظور کسب سود در فعالیتهای تولیدی کارفرمایان، از جانب «دست نامرئی» بصورت اتوماتیک تنظیم میگردد.

اقتصاد بازار آزاد در عین حال توزیع درآمد افراد را نیز تحت کنترل قرار میدهد، در این خصوص نیز مکانیزم قیمت بشرح زیر عمل میکند:

کارفرمایان نسبت به کالاهای تولیدی خود نمیتوانند قیمت، تعیین نمایند، زیرا تعداد تولید کنندگان یک کالا و همچنین عده خریداران آن، بیشمار است لذا، بمنظور پاسخگویی به تقاضای بازار بین تولید کنندگان رقابت وجود دارد و در سایه این رقابت سطح قیمتها به مرز هزینه تولید نزدیک میگردد، از سوی دیگر کارفرمایان بمنظور کسب هر چه بیشتر سود سعی در کاهش هزینه تولید مینمایند. می بینیم که مکانیزم قیمت، عبارت وسیعتر نیروهای بازار از نظر اجتماعی، اقتصاد راتحت کنترل خود درآورده، تولید را نسبت به تقاضا تنظیم نموده، قیمتها را در سطح هزینه تولید نگه داشته و همچنین از سود کلان سرمایه داران نیز جلوگیری بعمل میآورد.

مخالفین نظریه تخصیص و کنترل منابع اقتصادی بوسیله دست نامرئی، بر این عقیده اند که تخصیص منابع میبایست توسط دولت انجام گیرد. به اعتقاد آنها دخالت یک دست نامرئی زمانی قابل پذیرش است که دست مذکور بتواند در جهت منافع جامعه حرکت نماید. منافع شخصی نمیتواند و

نباید یک سیستم اقتصادی را به یک نظام ضد اجتماعی مبدل سازد. اساس یک سیستم اقتصادی تأمین نیازهای جامعه با توجه به منافع فردی میباشد. در جوامع سوسیالیستی که با برنامه مرکزی اداره میگردند نیز منافع شخصی و فردی وجود دارد. در جوامع مذکور مدیران و مسئولانی که برنامه را بشکل مطلوب طرح و اجرا مینمایند از مزایای بیشتری برخوردار خواهند شد. لذا مخالفین سیستم اقتصاد بازار آزاد مدعی نیستند که در سیستم مورد بحث به منافع اجتماعی توجه نمیشود، بلکه ادعای آنها اینست که تخصیص منابع اقتصادی دولت بصورت آترناتیو در جوار اقتصاد بازار آزاد بطور هماهنگ، شکل مطلوبی به اقتصاد جامعه خواهد بخشید.

۳- بکارگیری منابع اقتصادی در چهارچوب برنامه ریزی اقتصادی:

برنامه ریزی شکل معقولی از دخالت دولت در امور اقتصادی میباشد و در سایه آن، فعالیتهای اقتصادی توزیع منابع بطور معقول و منطقی انجام میگردد. باین ترتیب که توزیع منابع اقتصادی از یک سو هزینه های اجتماعی را حداقل میرساند و از سوی دیگر فایده اجتماعی حاصل از بکارگیری منابع را حداکثر خود خواهد رساند. لذا بمنظور دسترسی به اهداف مذکور باید برنامه به شکل جامع و دقیق طراحی شود تا با موفقیت کامل اجرا درآید. با دخالت دولت بوسیله برنامه ریزی در مسائل اقتصادی، حدود تقاضای جامعه برآورد و پیش بینی شده و متناسب با تقاضا، مقدار تولید مشخص میشود، ظرفیت تولیدی موازنه گشته، از ایجاد تنگناها جلوگیری شده و تنگناهای موجود نیز از میان برداشته میشود، ثبات در صنایع بوجود آمده و از رقابتهای مخرب و افراط کاریها که زیانهای اقتصادی بیار میآورد، جلوگیری بعمل میآید. برنامه ریزی امکان انتخاب کارگران رامتاسب با نوع و مقدار کار، آموزشهای حین خدمت و مهارتهای آنان فراهم نموده و حداکثر استفاده از منابع را میسر میسازد. در یک برنامه ریزی اقتصادی ابزار، لوازم و

تجهیزات بصورت علمی مورد استفاده قرار میگیرند. برنامه ریزی به پیشرفتهائی در زمینه تکنولوژی کمک کرده و دسترسی به حداکثر بهره‌وری را ممکن میسازد، زیرا در یک برنامه ریزی اقتصادی به مسائل تخصص و مکانیزاسیون توجه شده و در هزینه‌های تولید صرفه‌جویی بعمل می‌آید. برنامه باعث می‌شود که فعالیتها با اصول علمی انجام بگیرند تا از منابع موجود اقتصادی حداکثر بهره‌وری حاصل آید. لذا به اعتبار مسائل مطروحه لازمست اقتصادهای رو به توسعه لااقل در ابتدا بمنظور اهداف توسعه، با توجه به محدودیت منابع مورد استفاده، در چهارچوب برنامه حرکت نمایند. برنامه رشد و توسعه اقتصادی تنها به مواردیکه اختصاراً به آنها اشاره شد ختم نمیگردد (فرنکسیون^(۱) معقول). ضمناً در روند برنامه رشد و توسعه، فرنکسیون هماهنگی نیز از اهمیت زیادی برخوردار میباشد.

فرنکسیون هماهنگی برنامه ریزی در یک اقتصاد ملی مانع ایجاد تنگناهای احتمالی بین بخشها و صنایع گشته، همچنین در جهت رفع تنگناهای موجود، ایجاد رشد متعادل و تأمین اهداف برنامه حرکت مینماید. فرنکسیون هماهنگی برنامه ریزی از لحاظ فنی با دخالت دولت از طریق برنامه ریزی بدون اینکه تأثیرات منفی در تعادل فیزیکی اقتصاد، ایجاد گردد عمل می‌کند، و در صورت مشاهده عدم موازنه در دوره قبل از برنامه ریزی، موجبات تعادل و حفظ آن فراهم خواهد آمد.

فرنکسیون هماهنگی از جهتی متمم فرنکسیون رفتار اقتصادی میباشد، لکن خود بطور مستقل عمل میکند. بجز فرنکسیون‌های مذکور در چهارچوب اقتصاد ملی، یک فرنکسیون دیگر بنام فرنکسیون دریافت اطلاعات وجود دارد. در دوره قبل از اجرای برنامه، اهداف مورد نظر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تثبیت و تعیین میگردد. در بین اهداف اقتصادی، میزان درصد رشد و توسعه بین بخشهای مختلف، افزایش رفاه و انتخاب اصول در زمینه تعیین دستمزدها

۱. تغییرات یک کمیته که تابع چند کمیت متغییر باشد یک فرنکسیون است.

مشخص میگردد. در قلمرو اقتصاد ملی طرق ازدیاد بازدهی، مطالعه شده و در خصوص مسائل مربوط به نیروی کار، تعمیم خدمات اجتماعی و تخصیص سرمایه‌گذاری که در راستای این اهداف قرار دارند، تحقیق و بررسی می‌شود. در خصوص اقتصاد ملی و رابطه آن با اقتصاد جهانی، بمنظور تحرک بخشیدن به منابع اقتصادی و بکارگیری آنها در رابطه با سیاستهایی که باید اتخاذ و اجرا گردد، اقدامات لازم انجام میگردد. لذا بدلائل ذکر شده زمانی که برنامه توسعه آماده شد، اگر برنامه، یک دوره پنجساله را شامل شود، در خصوص این دوره اطلاعات کافی باید جمع‌آوری گردد. این مسئله در مورد کل اقتصاد و همچنین در زمینه پیشرفتهای اقتصادی در آینده نزدیک، از نظر کارفرمایانی که بحد کافی اطلاعات مطمئن در اختیار ندارند بسیار مهم میباشد (برنامه از این لحاظ به چراغهای اتومبیلی که در شب حرکت میکنند و یا به فانوس دریائی جهت راهنمایی کشتی‌ها می‌باشد، شباهت دارد). اصولاً برنامه ریزی کارفرمایان را از تصمیم‌گیری در تاریکی بازداشته و آنان را در روشنائی به اخذ تصمیم هدایت میکند. یعنی انگیزه‌توسل به برنامه، نجات یافتن از مشکلات و مسائل احتمالی می‌باشد که در نتیجه عدم دسترسی به آگاهی‌ها ممکن است متوجه اقتصاد و فعالیتهای اقتصادی گردد، همانطور که قدمهای برداشته شده در روشنائی در تأمین و تضمین سلامتی و امنیت انسانها مؤثر میباشد. با دستیابی به اطلاعات و آمار گذشته نزدیک میتوان در برنامه ریزی آینده، در زمینه پیشرفت‌های احتمالی تصمیمات معقول و صحیحی اتخاذ نمود.

در برنامه ریزی توسعه اقتصادی معاصر در قلمرو اقتصاد ملی، انحرافها و خطاهائی که در خصوص توزیع منابع در حوزه اقتصاد بازار آزاد وجود دارند اصلاح شده و بدین ترتیب یک اقتصاد برنامه‌ای (بعنوان آلترناتیو) در جوار اقتصاد بازار آزاد شکل گرفته و در این صورت، هم اقتصاد بازار حمایت شده و هم توزیع منابع بشکل متفاوتی در قلمرو بازار

میباشد، اختلاف نظرهایی وجود دارد که از فرصت این بحث خارج میباشد، لکن اصل مورد قبول اینست که، در مواقعی که منافع جامعه با منافع خصوصی برخورد پیدا کند، خدمات مورد بحث به دولت واگذار می‌گردد. از نظر طرفداران اقتصاد بازار آزاد، دخالت دولت بطور کلی محدود به موارد فوق می‌گردد، آیا خارج از محدوده مذکور تخصیص منابع بوسیله نیروهای بازار میتواند بشکل معقولی (راسیونال) مشکلات را از بین ببرد؟ در این خصوص کسانی که دخالت دولت توسط برنامه‌ریزی در قلمرو اقتصاد بازار را تجویز میکنند، بمنظور تکمیل و یا حمایت از اقتصاد بازار آزاد نظریاتی بشرح زیر ارائه نموده‌اند:

۱- در اقتصاد بازار آزاد درآمد فردی بصورت متعادل توزیع نمی‌گردد:

عدم توزیع درآمد فردی بشکل عادلانه در اقتصاد بازار آزاد، بر روی توزیع منابع در اقتصاد نیز تأثیر خواهد گذاشت، زیرا توزیع منابع در این نوع اقتصاد متناسب با تقاضا میباشد. یعنی در حالی که یک قسمت از افراد جامعه از آموزشهای اولیه، سلامتی کامل پوشاک، مسکن و نیازهای اولیه محروم می‌باشند، کالاهائی در جامعه تولید میشوند که نیازهای قشر مرفه و متمکن را بر آورده می‌سازد. زیرا ساختار اقتصاد بازار آزاد فاقد مکانیسمی است که منابع محدود را بصورت برابر توزیع نماید. لذا بمنظور توزیع عادلانه منابع محدود، بین افراد جامعه، دخالت معقول و آگاهانه دولت حکم الزام و اجبار را پیدا کرده و به این دخالت عاقلانه و آگاهانه برنامه می‌گویند.

۲- در اقتصاد بازار آزاد دستمزدها در حد پائین قرار دارند:

کارگران که یکی از عوامل تولید می‌باشند تنها دستمزد دریافت نموده، لذا همانطور که سوسیالیستها معتقد به اصلاحات ارضی در آغاز انقلاب کشاورزی بوده‌اند، به همان صورت هم در زمینه تولید و صنعت خواستار فعالیتهای فردی و اجتماعی

چرا اقتصاد های سرمایه داری به برنامه ریزی نیازمندند؟

در اینجا لازم است به مسئله کنترل توزیع منابع و ارزیابی عینی دست نامرئی پردازیم، چنانچه دیدیم کنترل بوسیله دست نامرئی یعنی کنترل بوسیله نیروهای بازار و کنترل بوسیله دست مرئی یعنی کنترل از طریق برنامه‌ریزی، البته تفاوت این دو نوع به اهداف آنها بستگی ندارد، بلکه به درجه اثربخشی آنها مربوط میشود. طرفداران اقتصاد بازار آزاد مدعی اند که تولید و مبادله در قلمرو انعقاد بازار آزاد در جهت منافع جامعه انجام میگیرد. بحث ما در اینجا به تولید و مبادله در چهارچوب برنامه بمنظور حمایت از اقتصاد بازار آزاد مربوط میباشد، که آیا ما را به سمت هدف مطلوب هدایت خواهد کرد یا خیر؟ لیبرالیستها در هیچ زمانی دولت را خارج از قلمرو اقتصاد ملی تصور نکرده‌اند. آنها در دوره لیبرالیزم اقتصادی نیز دولت را مسئول بعضی از امور میدانستند. آدام اسمیت عقیده داشت دولت میبایست مسئولیتهائی در زمینه‌های دفاع ملی، آموزش ملی، حمل و نقل و ارتباطات بعهده بگیرد. به تبعیت از نظریه اسمیت، اقتصاددانان بعد از وی، معتقد بودند که دولت باید مسئولیتهای بیشتری رابعهده بگیرد. این وظائف و خدمات عبارتند از:

۱- خدماتی که انجام آنها از عهده دولت برآید، مانند خدمات دفاع ملی، قضائی و غیره.

۲- خدماتی که مورد استفاده همگان بوده بدون اینکه تکلیفی برای مردم تعیین شود، مانند خدمات مربوط به تأمین روشنائی شهرها، نظافت شهرها و شهرک‌ها.

۳- خدماتی که در جهت منافع جامعه و افراد آن باشد، مانند خدمات آموزشی، پزشکی، تعیین و تثبیت سالهای تحصیلی، مسکن و اماکن اجتماعی. در خصوص خدمات بند ۳ که کدامیک به دولت مربوط

کارگران از طریق توزیع عوامل تولید میباشند. خارج از این مسئله اعم از اینکه ابزار و عوامل تولید در اختیار دولت و یا بخش خصوصی قرار گرفته باشد، تنها راه حل در زمینه نظام دستمزدها و سایر مسائل کارگری، مشارکت و دخالت دادن کارگران در تصمیم گیریهای مربوط به واحدهای تولیدی خواهد بود. بدون تردید هرگاه در اقتصاد بازار آزاد رقابت کامل حاکم باشد و اقتصاد با اشتغال کامل فعالیت نماید، (یعنی تقاضای نیروی کار نسبت به عرضه آن افزایش داشته باشد) مکانیزم قیمت، بعلافت افزایش تقاضای نیروی کار در جهت افزایش دستمزدها حرکت خواهد نمود و بدین ترتیب حقوق کارگران محافظت گشته، لکن اشتغال کامل بصورت یک تعادل عمومی، پیوسته و مستمر نخواهد ماند. این تعادل هر آن میتواند بهم بخورد، لذا دخالت دولت بمنظور رفع عدم تعادل توزیع درآمد و ایجاد برابری، در امور اقتصادی مجاز شناخته شده و حتی برای دولتها ایجاد حق نموده است. انگیزه ای که در کشورهای با سیستم اقتصاد بازار آزاد دولت را ملزم به تهیه یک برنامه اقتصادی نموده، مسئله نابرابری درآمدها میباشد.

۳ - در اقتصاد بازار آزاد ثبات اقتصادی وجود ندارد:

در مواقعی که در اقتصاد بازار آزاد دخالت دولت وجود نداشته باشد، جامعه با عدم ثبات اقتصادی روبرو گشته و در نتیجه مسائلی از قبیل بیکاری، تغییرات سطح قیمتها و مسائل مشابه بوجود میآید. بیکاری، اقتصاد جامعه را بسوی بحران میکشاند و اقتصاد با فقدان عوامل تولید مواجه خواهد شد. در واقع بیکاری یعنی محروم شدن کارگران از درآمد (دستمزد) و تغییرات قیمتها یعنی ترقی و کاهش قیمتها، که به حالت اول تورم (انفلاسیون) و بحالت دوم ضد تورم (دفلاسیون) میگویند، حال آنکه هر دو مورد برای اقتصادی ملی زیانبخش میباشد. لذا کنترل اقتصاد بصورت معقول و حساب شده از طریق برنامه ریزی از وظائف مهم دولتها بشمار میرود.

۴ - در اقتصاد بازار آزاد موازنه پرداختهای اقتصاد ملی اکثراً نامتوازن است:

روابط اقتصادی یک کشور با اقتصاد جهانی بوسیله بیلان یا تراز تنظیم میگردد، که به آن تراز پرداختها میگویند. به عقیده طرفداران اقتصاد بازار آزاد اضافه و یا کسری در موازنه پرداختها اهمیت چندانی نخواهد داشت، زیرا از طریق تغییرات پولی و قیمتها میتوان آنها بحالت تعادل در آورد. در صورتیکه طبق نظریه «تعادل اتوماتیک» در این نوع اقتصادها موازنه پرداختها با تغییرات قیمتها و نقل و انتقال پول، بصورت متعادل در نخواهد آمد. حال آنکه اضافه و یا کسری در موازنه پرداختها برای ثبات پولی و مالی کلیه سیستمهای اقتصادی کمال اهمیت را دارد. بنابراین روابط اقتصادی یک کشور با سایر کشورها، میبایست بوسیله دولت از طریق برنامه ریزی تنظیم گردد.

۵ - در اقتصاد بازار آزاد تغییرات منابع اقتصادی از انعطاف کافی برخوردار نمیشد:

یکی از فرضیه های اقتصاد بازار آزاد، انعطاف پذیری منابع اقتصادی، بمنظور پاسخگویی به تقاضای بازار در قبال تغییرات قیمتها میباشد. لکن در تحقیقات بعمل آمده چنین مواردی کمتر مشاهده شده است. در مواقع غیر عادی (از قبیل جنگ و غیره) که میبایست منابع اقتصادی در مقایسه با شرایط عادی بشکل متفاوتی توزیع گردد، چندان تفاوتی مشاهده نشده، در نتیجه اقتصاد با قحطی و کمبود مواجه گشته است. لذا تغییرات توزیع منابع اقتصادی در این وضعیت حالت سنگین و مشقت باری را بوجود آورده و در این موقعیت استثنائی جبران کمبود و قحطی امکان ناپذیر میباشد. بازار سیاه بصورت اپیدمی و مزمن درآمده و در چنین وضعیتی درآمد یک عده بطور سرسام آور افزایش خواهد یافت، که این حالت بدلیل توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی پیش میآید و در رابطه با توزیع منابع

- ۲۹- مجله صنایع قند ایران. شماره ۶۴ مرداد- شهریور ۶۶.
- ۳۰- شناسنامه صنعتی شهرستان یزد. معاونت طرح و برنامه وزارت صنایع. سال ۱۳۶۵.
- ۳۱- دانستنیهای اقتصادی از جمهوری فدرال آلمان. ۱۰/۱۱-۱۹۸۷

- ۲۴- آمار برق روستائی در سال ۱۳۶۵ (وزارت نیرو).
- ۲۵- ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۷ آذر ۱۳۶۶ (مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی).
- ۲۶- کشاورز شماره ۹۵ آبان ۱۳۶۶.
- ۲۷- کارنامه پژوهشی دانشگاه شیراز سال ۱۳۶۵.
- ۲۸- مجله مدیریت دولتی شماره اول. پائیز ۱۳۶۶.

1. Institutional Investor. Nov. 1987.
2. The Steel Market in 1986. (ECE/Steel/58)
3. Structural Changes in International Steel Trade. (ECE/Steel/54).
4. Market Trends for Selected Chemical Products. 1960-1985 and Prospects to 1989, (ECE/Chem/64 Vol. 1).
5. Research Highlights 1986; International Maize and Wheat Improvement Centre. Cimmyt 1966-86, (ECE/Chem/64 Vol. 11).
6. Technology Issues in the Energy Sector of Developing Countries; Small-Scale

- Hydropower Projects in Nepal. UNC/TT/62.
7. Transfer and Development of Technology in Ghana, Report of an UNCTAD Mission. UNCTAD/TT/86.
8. Tech Monitor. Sep-Oct. 1987.
9. International Country Risk Guide. Nov. 1987
10. Women Carpet Weavers in Rural Turkey: Patterns of Employment, Earnings and Status. By Günseli Berik, ILO.
11. Economic Bulletin for Europe. Vol. 39, Oct 82.

بقیه از صفحه ۴۳

بشکل استاندارد عرضه شود. حال آنکه، در واقع در اقتصاد بازار آزاد بمنظور تغییرات در اشکال بازار، از طرفی فنون تولید توسعه و پیشرفت ننموده و کالاهای تولید شده بشکل استاندارد نمیباشد، از سوی دیگر به مسائلی از قبیل فروش، بازاریابی و تبلیغات بها داده و اقتصاد بسوی اسراف کشانیده میشود. مسئله اسراف در اقتصاد بازار آزاد ناشی از بکارگیری منابع اقتصادی بشکل نامعقول میباشد، که دلیل واقعی آن عدم وجود رقابت بصورت مستمر میباشد. بعلت اینکه در اقتصاد بازار آزاد هیچ نیروی اتوماتیکی مکانیزم رقابت را بحرکت وانمیدارد، دخالت دولت توسط برنامه ریزی بمنظور به تحرک واداشتن مکانیزم رقابت و استمرار آن لازم و ضروری میباشد. لذا از این جهت نیز مانند سایر جهات بمنظور دسترسی به یک اقتصاد معقول تنها از طریق برنامه ریزی میتوان هدفها را دنبال نمود.

اقتصادی بعضاً با یک حالت معکوس نیز مواجه میشویم. همانطوریکه تولید اضافی را در اقتصاد کشور آناً نمیتوان کاهش داد، سطح تولید را نیز نمیتوان بفوریت افزایش داد. ملاحظه میشود که بمنظور تخصیص منابع اقتصادی بشکل معقول در ابعاد و اشکال مختلف بین فعالیتهای، برنامه ریزی ضروری میباشد.

۶- در اقتصاد بازار آزاد اسراف فوق العاده ای وجود دارد:

در نظریه اقتصاد بازار آزاد، رقابت باعث پیشرفت فنون تولید گشته و در اثر رقابت بین عرضه کنندگان کالا، قیمت فروش به هزینه تولید نزدیک میشود، و این در صورتی است که تولید کنندگان به فنون پیشرفته تولید دسترسی یافته و کالاها